

روانشناسی مدیریت ریسک

مهديه جعفری^{۱*}، مزدک عالی محمودی^۲

^۱ مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهید رئیسه‌لی دلواری ، بوشهر ، ایران .

^۲ مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی ، بوشهر ، ایران .

m.jafari97@ymail.com

چکیده:

با پیشرفت جوامع بشری ، ارکان مدیریت نیز گسترده تر گردید . روح و روان بشر مهد انگیزه و پیشرفت است ، یک مدیر کارآمد باید دارای راهبردهای روانشناسی قوی باشد تا به وسیله شناخت صحیح خصوصیات کارکنان خود ، استعداد ها و توانایی های آنان ، با ایجاد انگیزش قوی نیروی نهفته درونی کارکنان خود را ، از نیرویی بالفعل به نیرویی بالقوه در آورد . یکی از ارکان مهم مدیریت ، مدیریت ریسک می باشد ، اساس مدیریت ریسک عبارتند از ، ربودن فرصتها ، بهبود و به کارگیری سرمایه ، کاهش زیان های عملیاتی و اعمال تصمیم مناسب در جهت واکنش به ریسک از جمله پذیرش یا اجتناب می باشد ، که رمز موفقیت در تمامی این امور نیازمند مدیریتی می باشد که از نظر روانشناسی دارای افعال بالقوه مدیریت ریسک در جهت دست یافتن به اهداف خود باشد . لذا در پژوهش حاضر ، ما به روانشناسی مدیریت ریسک پرداختیم .

کلمات کلیدی: روانشناسی ، مدیریت ، ریسک .

مقدمه

ذهن انسان محدود است ، مادامی که در ذهن انسان ، این حقیقت را تجسم کند که می تواند کاری را انجام دهد ، می تواند آن را انجام دهد ، مادامی که ۱۰۰ درصد باور داشته باشد ، روانشناسی مدیریت عبارت است از زمینه مطالعاتی معینی که در چهارچوب آن ، رفتار مدیر و فرآیند رهبری از دیدگاه روانشناسی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد ، مطالعات مربوط به روانشناسی مدیریت نه تنها موجب میگردد که مدیر در اداره امور سازمان توانایی بیشتری پیدا کند ، بلکه استفاده از یافته های علمی ، نیازهای مربوط به آن را امکان پذیر می سازد [۳] یکی از چالشهای مدیریت این است که چه مقدار عدم قطعیت را بپذیرد بطوریکه ارزش ثروت ذینفعان رشد یابد، عدم قطعیت هم در مورد خطر و هم فرصت ،

* مهديه جعفری مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهید رئیسه‌لی دلواری .

همراه با احتمال از دست دادن یا افزایش ارزش مطرح میشود ، مدیریت ریسک مدیر را قادر میسازد علیرغم وجود عدم قطعیت و ریسکها و فرصتهای وابسته به آن، واحد اقتصادی را بصورت موثر اداره نموده و بدین ترتیب ظرفیت ایجاد ارزش شرکت را افزایش دهد [۱]

- ویژگی های روانشناختی مدیران موفق ریسک

- هدایت و ترغیب شخصیت فردی

بر اساس نظریه روانشناسان ، یک مدیر موفق باید به ترغیب و تشویق خود ، برای قبول مسئولیت طی برآورده کردن اهداف درونی اش بپردازد و استعداد های خود را تقویت کند [۲]

- در هر دقیقه از زندگی ، خود را ارتقاء دهد

ذهن انسان به واسطه ی کارهایی که انجام می دهد از بالاترین قیمت برخوردار است ، بنابراین باید بکوشد تا کیفیت افکارش را افزایش دهد ، یکی از بهترین راههای برگشت زمان ، یادگیری هرچه بهتر و کسب تجربه هر چه مفید تر است [۲]

- استعداد های خاص خود را تقویت کند

همیشه یک مدیر باید به این فکر کند که یک استثنا هست و استعداد ها و قابلیت های خاصی دارد که او را از فرد دیگری متفاوت می سازد ، افراد موفق یقیناً افرادی هستند که برای تشخیص اینکه چه کاری را بهتر انجام می دهند وقت گذاشته اند ، آنها می دانند چه کاری انجام دهند که واقعا تحولی در کارشان ایجاد کند و سپس منحصراً روی آن کار یا زمینه فعالیت ، تمرکز کنند [۴]

- موانع کلیدی خود را مشخص کند

یک مدیر باید موانع کلیدی موفقیت خود را مشخص نماید و برای رسیدن به این هدف باید به سوالات زیر پاسخ

دهد [۴]

- چه عاملی او را عقب نگه می دارد؟
- چه عاملی سرعت دستیابی به اهدافش را تعیین می کند؟
- چه عاملی میزان سرعت حرکت او را از جایی که هست به جایی که میخواهد برود تعیین می کند؟
- چرا هنوز به اهدافش نرسیده است؟
- منظور کردن احتمالات در محاسبات

به دلیل آن که انسان طبیعتی اصلاح پذیر دارد، آموزش در آن موثر واقع می شود و از میزان نادانی اش نسبت به هستی سرشار از دانایی پیرامونش می کاهد و هر اندازه که میزان دانایی اش نسبت به این هستی سرشار از دانایی، بیشتر شود، ضریب احتمال شکستش کاهش می یابد، بنابراین بررسی و مطالعه احتمالات برای اجرای هر امری از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است [۶]

- اندیشه ی بازگشت از آینده

یک مدیر موفق، برای تعیین مقصد نهایی در هر دوره از زندگی، چشم انداز طولانی مدت را برمی گزیند، این روش که اکثر افراد موفق در تمام حوزه ها به کار گرفته اند، نیازمند این است که چندین سال آینده خود را نظاره گر باشد و تعیین کند که در انتهای این دوره زمانی کجا خواهد بود، سپس اندیشه ی بازگشت از آینده را باخود تمرین نمایید و در تخیل درونی اش از نقطه یی مناسب در آینده، به جایی بیندیشد که اینک هست و سپس کارهایش را که می تواند انجام دهد از نظر بگذراند [۵]

- نتایج

درک مدیریت ریسک مستلزم درک عواملی است که منجر به ریسک های پروژه می شود، اولین گام در ارزیابی ریسک، شناسایی ریسک میباشد، ریسک های شناسایی شده برای تجزیه و تحلیل و میزان احتمال ریسک استفاده می شود، در حالی که چندین روش برای تجربه و تحلیل ریسکها وجود دارد اکثر مدیران پروژه، استفاده از انواع فرآیند تصمیم گیری مبتنی بر ماتریس را به دیگر روش ها ترجیح میدهند، مدیران پروژه موفق در ارتباط با احتیاجات خود، از ارتباطات بوسیله خطوط باز در سرتاسر سازمان استفاده می کنند [۷] یک مدیر کارآمد باید دارای

راهبردهای روانشناسی قوی باشد تا به وسیله شناخت صحیح خصوصیات کارکنان خود، استعدادها و توانایی‌های آنان، با ایجاد انگیزش قوی نیروی نهفته درونی کارکنان خود را، از نیرویی بالفعل به نیرویی بالقوه در آورد. یکی از ارکان مهم مدیریت، مدیریت ریسک می‌باشد، اساس مدیریت ریسک عبارتند از، ربودن فرصتها، بهبود و به کارگیری سرمایه، کاهش زیان‌های عملیاتی و اعمال تصمیم مناسب در جهت واکنش به ریسک از جمله پذیرش یا اجتناب می‌باشد، که رمز موفقیت در تمامی این امور نیازمند مدیریتی می‌باشد که از نظر روانشناسی دارای افعال بالقوه مدیریت ریسک در جهت دست یافتن به اهداف خود باشد.

مرجع‌ها

۱. بورس اوراق بهادار تهران. مدیریت ریسک - چارچوب یکپارچه جلد اول. ۱۳۸۷، ۹۱ صفحه، کتاب الکترونیک، RMT-87-05-21-ver01.
۲. تریسی، برایان. اسرار موفقیت. ترجمه‌ی آزاده سخایی منش، ۱۳۹۰. قم، انتشارات آسمان علم، ۱۲۸ ص
۳. تریسی، برایان. قدرت زمان. ترجمه‌ی زهرا نسیمی، ۱۳۹۰. قم، انتشارات پدیده دانش، ۴۲۴ ص.
۴. تریسی، برایان. قورباغه را قورت بده. ترجمه‌ی شهرام طالبی، ۱۳۸۶. تهران، موسسه انتشارات حسام شیر محمدی، ۱۹۱ ص.
۵. تریسی، برایان. رموز برنامه ریزی موفق. ترجمه‌ی محمد خان بابایی، ۱۳۹۴. قم، انتشارات بیلاق یاران، ۱۷۶ ص.
۶. علی کریمی، علی. شما نابغه هستید اگر. ۱۳۸۸. قم، انتشارات اتقان، ۱۵۹ ص.

۷. H. Frank Cervone (2006), Project risk management, OCLC Systems & Services: International digital library perspectives Vol. 22 No. 4, 2006 pp. 256-262.